

گزارشی از پنجاه و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام

(رضا چاوک)



54th INTERNATIONAL 
FILM FESTIVAL
30/1-9/2 2025 ROTTERDAM

پنجاه و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام که از ۳۰ ژانویه آغاز شده بود، روز یکشنبه ۹ فوریه به کار خود پایان داد. مدیریت امسال جشنواره با «Vanja Kaludjeric» بود.

امسال ۴۸۲ فیلم (۲۳۴ فیلم بلند، ۲۴۸ فیلم کوتاه و نیمه بلند) از ۹۴ کشور در بخش‌های مختلف این جشنواره در ۱۴۰۵ نوبت اکران به نمایش درآمدند. در این میان ۲۰۱ فیلم اولین نمایش جهانی را در این جشنواره داشتند. ویژگی فستیوال فیلم روتردام در این است که با وجود این حجم از نمایش برای بیش از سیصد هزار تماشاگر مشتاق و حدود سه هزار میهمان، معمولاً صندلی هیچ نمایشی خالی نمی ماند.

امسال نیز چون سال های گذشته نمایش فیلم های مستقل و تجربی در کانون توجه این جشنواره قرار داشت.

فیلم های افتتاحیه و اختتامیه:

جشنواره با فیلم هلندی « Fabula » ساخته « Michiel ten Horn » گشایش یافت و با فیلم « This City is a Battlefield » پایان یافت. این فیلم اثر فیلمساز اندونزیایی « Mouly Surya » است که با کمک مالی فوندز هوپرت بالز وابسته به فستیوال فیلم روتردام ساخته شده بود.

بخش مسابقه: (Tiger Awards Competition)

جشنواره جهانی فیلم روتردام گرچه در سال‌های اول به صورت غیرمسابقه‌ای برگزار می‌شد ولی از سال ۱۹۹۵ به شکل مسابقه‌ای و رقابتی درآمده و جایزه‌ای به نام «جایزه ببر Tiger Award» به برگزیدگان خود اهدا می‌کند.

امسال نیز هیئت داوران بخش اصلی جشنواره، متشکل از پنج فیلمساز یا دست اندرکار سینما بودند. یکی از اعضای هیئت داوران «سهیلا گلستانی»، بازیگر فیلم «درخت انجیر معابد» بود ولی به علت ممانعت رژیم جمهوری اسلامی از خروج او، نتوانست در جشنواره حضور پیدا کند.

امسال چهارده فیلم برای دریافت سه جایزه ببر طلایی و چهل هزار یورو جایزه نقدی رقابت داشتند که سرانجام فیلم «اتش یا مرگ» Fiumo O morel ساخته «Igor Bezinović» فیلمساز کرواسی به عنوان برنده ببر طلایی این دوره جشنواره معرفی شد.



همچنین دو جایزه ده هزار یورویی ویژه هیئت داوران به فیلم‌های « L,abre de l,authenticite » ساخته

« Sammy Baloji » از جمهوری کنگو و فیلم «Im haus meiner Eltem» ساخته Tim Ellrich از آلمان تعلق گرفت.

همزمان با اهدای جوایز بالا، «انجمن بین‌المللی منتقدان فیلم» نیز از میان پانزده فیلم شرکت‌کننده در بخش «آینده درخشان» این جشنواره، فیلم «اتش یا مرگ» Fiumo O morel ساخته «Igor Bezinović» را بهترین فیلم تشخیص داد و جایزه منتقدان را به آن اهدا کرد.

فیلم‌های برگزیده تماشاگران جشنواره:

در این بخش بازدیدکنندگان جشنواره بیشترین آرای خود را به فیلم «I'm still here» به کارگردانی «Walter Salles» از برزیل و فرانسه دادند و این فیلم مقام اول انتخاب تماشاگران را به خود اختصاص داد و برنده جایزه ده هزار یورویی این بخش شد.

فیلم‌های کوتاه:

در این بخش ۲۵ فیلم کوتاه (حداکثر ۶۳ دقیقه‌ای) شرکت داشتند که در پایان فیلم‌های «Merging bodies» ساخته «Adrian Paci» از ایتالیا، فیلم «A Metamorphosis» به کارگردانی Aung Lin Htel «از میانمار و فیلم» Temo Re ساخته «Anka Gujabidze» از گرجستان، اول تا سوم شدند و جایزه پنج هزار یورویی به طور یکسان به هر کدام از سازندگان آنها اهدا شد.

فیلم‌های ایرانی شرکت کننده در جشنواره:

امسال پنج فیلم ایرانی و یک فیلم از کانادا به زبان فارسی در جشنواره حضور داشتند:

«درخت انجیر معابد» The Seed of the Sacred Fig

بر خلاف سال‌های اخیر که نمایش فیلم‌های رسول اف در جشنواره فیلم روتردام بدون حضور او نمایش داده می‌شد و هر بار فضای جشنواره مملو از درخواست ممنوع خروجی یا آزادی او بود، امسال رسول اف همزمان با نمایش فیلم «درخت انجیر معابد» به عنوان میهمان ویژه فستیوال حضور داشت.

هر چند این فیلم در بخش‌های رقابتی جشنواره شرکت نداشت ولی استقبال بی نظیری توسط تماشاگران از این فیلم مشتاق هلندی بعمل آمد. رسول اف در فیلم درخت انجیر معابد به طرز ماهرانه ای فعالیت‌های سیاسی را با درام خانواده ای از هم گسیخته به هم پیوند می‌زند. اعضای خانواده در بستر اعتراضات زن، زندگی، آزادی، واکنش‌های متفاوتی دارند.

دختران نوجوان (رضوان و ثنا) از سرنوشت نامعلوم دوست خود صدف که در جریان تظاهرات خیابانی مجروح و اسیر شده، شوکه شده اند. در همین حال، پدرشان (ایمان)، به عنوان قاضی تحقیق منصوب می‌شود و تحت فشار قرار می‌گیرد تا برای محاکمه معترضان دستگیر شده شتاب و شدت عمل بیشتری داشته باشد. نیمه دوم فیلم هیجان انگیزتر است و در آن «ایمان» دچار پارانوئید به طور فزاینده ای علیه همسر و فرزندانش روی می‌آورد.



«تهران، تاریخ ناتمام» Tehran, An Unfinished History

تهران، تاریخ ناتمام، فیلم بلند و تاثیرگذار دیگری بود از سعید نوری. این فیلم مستند، نگاهی گسترده به شهر تهرانی است که دیگر وجود ندارد: شهری با تضادهای بزرگ، تضادهای قابل مشاهده و کمتر قابل مشاهده.

سینمای قبل از ۱۹۷۹ ایران یکی از غنی ترین و ناشناخته ترین گنجینه هایی است که در مورد آن بسیار کم نوشته شده - حتی به فارسی. به لطف حمایت سخاوتمندانه آرشیو فیلم ملی ایران، سعید نوری در طول ۴/۵ سال از میان صدها فیلم ساخته شده قبل از انقلاب و تبدیل دیجیتالی آنها، ساکنین تهران و مردان و زنانی را که با ارزشهای متفاوت از روستاها و شهرستان های مختلف راهی پایتخت می شوند روایت می کند.

تهرانی که در این فیلم می بینیم یا مدت هاست از بین رفته یا به گفته برخی زیرزمینی شده است: شهری جهانی با جدیدترین مدهای لندن یا پاریس، اما همچنین شهری با شکاف بسیار دردناکی بین غنی و فقیر.

سینمای ایران با همه اینها برخورد کرد، گاه بسیار ملودراماتیک، سپس با ظرافت، صادقانه و ملایم. «تهران، تاریخ ناتمام» هدیه ای است برای همه سینمادوستان کنجکاو و همه تاریخدانان سینما که می دانند نه تنها جامعه شناس، بلکه باید رویاپرداز نیز باشند.



«جماعت» The Crowd

سه‌ند کبیری، کارگردان با استعداد ایرانی، اولین فیلم بلند خود، به نام «جماعت» را به جشنواره فیلم روتردام آورد. با توجه به اینکه این فیلم بدون مجوزهای رایج از وزارت ارشاد و سایر ارگان‌های دولتی ساخته شده و هر لحظه امکان لو رفتن پروژه و ممانعت از ادامه ساخت می‌رفت، کبیری این فیلم را در دوازده روز فیلمبرداری کرده است. فیلم «جماعت» پرتره‌ای است که زندگی روزمره نسل زد و باهوش ایران را ترسیم می‌کند و حال و هوای تازه‌ای به سینمای ایران می‌بخشد.

گروهی از جوانان در تدارک یک جشن خداحافظی هستند برای دوستشان (رامان) که در حال مهاجرت است. دوستان رامان راهی عالی برای جشن رفتن قریب الوقوع او پیدا می‌کنند. با این حال، برنامه‌های پارتی با درگیری مواجه می‌شود. از جمله یک بحث حل نشده بر سر دوستی که در یک تصادف جان خود را از دست داده و یک برادر بزرگتر محافظه‌کار، که زندگی این جوانان را با دیده تحقیر می‌نگرد و تلاش می‌کند تا پارتی را متوقف کند.

سه‌ند کبیری تلاش می‌کند پرتره‌ای شخصی از زندگی جوانان طبقه متوسط ایران معاصر را به تصویر بکشد: پر جنب و جوش و چالش برانگیز.

در روزهای نمایش فیلم سعید کبیری کارگردان فیلم و بیش از ده نفر از بازیگران و دیگر عوامل فیلم در جشنواره حضور داشتند.



«سانشاین اکسپرس» Sunshine Express

«سانشاین اکسپرس» نخستین فیلم بلند و داستانی «امیرعلی نوایی» است که در تهران ساخته شده و اولین نمایش جهانی خود را در فستیوال روتردام تجربه کرد.

شرکت کنندگان که هر کدام در یک بازی، نقشی از یک شخصیت خاص به آنها اختصاص داده شده، در یک سفر خیالی با یک قطار دکوری به جزیره ای می روند تا برنده یک جایزه نقدی شوند، پس از آن، رقابت تبدیل به دنیای کوچکی از محدودیت هایی می شوند که در زندگی واقعی خود تجربه می کنند.

آنها در این بازی نقش آفرینی بی نام به نقطه عزیمت می رسند. در آنجا یک بازرس شناسه های آنها را چک می کند و قبل از اینکه سوار قطار ساختگی به جزیره خیالی هرمیا شوند به آنها می گوید نقش کدام شخصیت را بازی می کنند.

آنها باید شخصیت خود را برای برنده شدن حفظ کنند و تمام وظایف را انجام دهند. اما با حرکت قطار، برخی از شرکت کنندگان این احساس را پیدا می کنند که چیزهای بیشتری برای بازی وجود دارد. قطار به طرز آزاددهنده ای به عامل واقع گرایانه تبدیل می شود که مقصد واقعی آن نامشخص است.

سانشاین اکسپرس یک فیلم تمثیلی درخشان است درباره اینکه چگونه نظام های توتالیتار خود را از طریق همدستی جمعی حفظ می کنند. نوایی این مفهوم را با عناصر رقابتی یک مسابقه تلویزیونی و جرعه ای از فضای کافکایی در هم می آمیزد تا دنیایی را خلق کند که بازتابی از زندگی شرکت کنندگان است. این بازی نقش آفرینی آزادی به همراه ندارد، بلکه برعکس، اسارت آن ها را تشدید می کند، چرا که اراده آزاد در آن توهمی بیش نیست و اجبار همواره با خشونت همراه نیست، بلکه می تواند از طریق دستکاری های روانی و عاطفی اعمال شود.

در جهانی که ترس بر آن حکم فرماست، نوایی درام خود را به گونه ای فزاینده خفقان آور می سازد تا نشان دهد که حتی افراد درستکار نیز ممکن است به انجام بی رحمانه ترین اعمال سوق داده شوند.

بجز آقای امیر علی نوایی چند تن دیگر از دست اندرکاران و بازیگران فیلم، از جمله بابک کریمی در جشنواره روتردام حضور داشتند.



«غفلت» Negligence

این فیلم قدیمی که در سال ۱۳۳۲ ساخته شده و به سفارش جشنواره فیلم روتردام توسط سعید نوری از فیلمخانه ملی تهیه، تبدیل به دیجیتال و به جشنواره آورده شده بود.

«یک زبان جهانی» Une langue universelle

علاوه بر پنج فیلم ایرانی، فیلم کانادایی «یک زبان جهانی» با بازیگران ایرانی و به زبان فارسی نیز در جشنواره حضور داشت.

در شهری که ترکیبی از مانیتوبای معاصر و تهران دهه نود است، مسیرهای دو دختر، یک راهنمای تور و یک کارمند دولتی به هم گره می‌خورد. این دو دختر جوان و پرانرژی تلاش می‌کنند اسکناس یخ‌زده‌ای را از دل سرما بیرون بکشند، یک راهنمای تور گروهی گیج و مبهوت را در شهری زمستانی هدایت می‌کند و یک کارمند دولتی پیاده‌روی طولانی خود را به سمت خانه آغاز می‌کند.

در این شهر عجیب و غریب و منحصر به فرد، زبان فارسی را می‌توان بر تابلوی رستوران زنجیره‌ای تیم هورتون مشاهده کرد، «مخزن دستمال کاغذی» به عنوان یکی از بناهای شاخص شهر شناخته می‌شود و یک کیف گمشده که روی نیمکتی قرار دارد، عنوان میراث جهانی یونسکو را به خود اختصاص داده است!

«متیو رانکین»، فیلم‌ساز کانادایی، با این فیلم نه تنها یادآور طراحی صحنه‌های خاص وس اندرسون است، بلکه به زیبایی از شاعرانه بودن موج نوی سینمای ایران و علاقه‌اش به سینمای مؤلف ایرانی الهام می‌گیرد. او با این فیلم، عشق خود را به وینپینگ و سینمای ایران در ادای احترامی دلنشین و منحصر به فرد به نمایش می‌گذارد. فیلم ترکیبی است خلاقانه از طنز، احساس و فضای سوررئال.